مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

دورهٔ هفتم، سال اول، شمارهٔ ۱۰۹
۴شنبه ۱۴ آذر۱۳۵۸-تکشماره ۱۰ ریال

وارد دوران جدیدی میشویم:

دوران نوسازی

وقت برای ایجاد «جبهه متحد خلق» بیش از پیش نضج می یابد

باید همه دست بدست هم: سیاست، اقتصاد وفرهنگ نوینی را پایه گذاری کنیم!

بقیه درصفحه ۳

بالاخره تکلیف ۱۰۰۰ قرارداد امپریالیستی چه شد؟

استقلال ایران، که هدف‌عمده انقلاب است، تنها با شعاربدست نمی‌آید. با تظاهرات نیز تامین‌شدنی نیست، هر قدر هم این تظاهرات گسترده و شورانگیز باشد.

شعارهای ضدامپریالیستی بیان خواست مردم و تظاهرات مردم نمایش اراده قاطع آنها درمبارزه بخاطر رسیدن به هدف است. با اتکاء براین اراده قاطع توده‌های میلیونی باید خواست آنها را تحقق بخشید، باید به هدف‌رسید، یعنی باید استقلال ایران را به وسیله قطع زنجیرهای وابستگی تامین کرد. شکل حقوقی این زنجیرهای وابستگی همان قرارداد‌ها و موافقت‌نامه‌های پرشماری است که امپریالیسم و بویژه

بقیه درصفحه ۲

نه «سفارت» سفارت است نه «گروگانها» گروگان

اگر «سفارتخانه» امریکا سفارتخانه بود، البته اشغال آن نقض حقوق بین‌المللی می‌بود و در نتیجه عملی قابل اعتراض. اگر «گروگانهای» امریکائی دراین «سفارتخانه» گروگان بودند، یعنی افرادعادی، کارمند، یا دیپلوماتهای بی‌گناهی بودند که بقصد گرفتن باج باسارت گرفته شده بودند، البته سلب آزادی ازآنها عملی ناقض حقوق بین‌المللی می‌بود ولابل اعتراض.

بعبارت دیگر، اگر سفارتخانه‌ای اشغال شده بود وکارمندان ودیپلوماتهای مقیم آن سفارتخانه به گروگان گرفته شده بودند، حق بامعترض یا معترضین بود. ولی واقعیت اینستکه‌نه‌این «سفارتخانه» سفارتخانه است ونه «گروگانها» گروگان.

موج اعتراض دربرابر جاسوسخانه آمریکا پایان ندارد: تظاهرات دیروز دانش آموزان دبیرستان پارچین

بنائی که درآن دستگاههای الکترونیک جاسوسی کار گذارده شده باشد، دستگاههائی که حتی بمقیاس منطقه شعاع عمل دارند. بنائی که‌مقر توطئه برضدحکومت کشور میزبان باشد، بنائی که ستاد عملیات «سیا» پرسیاست سرجاسوسان بنامی نظیر ریچارد هلمزها باشد، سفارتخانه نیست، مرکز جاسوسی وتوطئه وکودتا است. وچنین بنائی‌را طبق حقوق بین‌المللی ونیزطبق حق‌حاکمیت کشور میزبان نه فقط میتوان، بلکه بایداشغال کرد. آنچه‌که میخواهند باعث‌شگفتی درسطح بین‌المللی باشد اینستکه‌چرا این جاسوسخانه مدتها پیش اشغال‌و تصرف نشده‌است.

«گروگانها» نیز گروگان نیستند. اینان جاسوسند، جاسوس دیپلمات‌نما، جاسوس زیر پوشش دیپلمات‌اندکه سند جرم‌برخی‌از آنها نیز انتشاریافته است.

جاسوسی طبق قوانین بین‌المللی ممنوع است. جاسوس را طبق قوانین بین‌المللی میتوان وباید دستگیر کرد وطبق قوانین کشوری که جاسوس در آن عمل کرده، محاکمه و مجازات کرد. تا دنیا دنیا بوده چنین بوده، در حال حاضرهم چنین است، درآینده هم‌چنین خواهد بود. دستگیری، محاکمه و مجازات جاسوس، قطع نظر ازپوشش جاسوس، حق مسلم هرکشور دارای‌حق‌حاکمیت است. اگر ایرادی باشد اینستکه، چرا این جاسوسان دیپلمات‌نما زودتر ازاین دستگیر نشده‌اند.

پس هم اشغال جاسوسخانه سفارت نمای آمریکاوهم‌دستگیری جاسوسان دیپلمات نمای مستقیم آن، طبق قوانین بین‌المللی ونیزطبق قوانین داخلی‌کشور، عملی قانونی وبحق بوده است.

باقی‌می‌ماند جواب این سئوال که، چرا این‌عمل زودتر انجام‌نگرفته‌است؟ وجواب اینست که، پس‌ازپیروزی‌انقلاب‌بودایران. این‌امید می‌رفت‌که دولت ایالات متحده امریکابرای حفظ مناسبات خود باایران، شایددرصددربرآید که جاسوسخانه خودرا منحل‌و آنرا بسفارتخانه بدل‌کند. این واقعه رخ‌نداد. برعکس فعالیت توطئه‌گرانه درجاسوسخانه آمریکا شدت بیشتری‌یافت. لختی وتعلل درسرکوب شد انقلاب داخلی، امپریالیسم جهانخوار آمریکا را تشویق وتحریک‌کرد تابرشدت عملیات‌توطئه‌گرانه ضدانقلابی در ایران‌بیفزاید، بقصدباز‌پس‌گرفتن «بهشت‌گمشده»، ازجمله‌اگرپتوان بوسیله کودتای دیگری نظیر کودتای ۲۸مرداد ۱۳۳۲، که ستاد عملیاتی آن‌درهمین‌جاسوس خانه مستقرگردید.

باین امید دامنه توطئه‌گری امپریالیسم آمریکادرایران‌توسعه یافت. دولت‌آمریکا درسطح‌ایران به سازماندهی باز‌ماندگان «ساواک» بوسیله‌جاسوسان‌حرفه‌ای عضو«سیا»، ازمرکزهمین‌جاسوسخانه پرداخت. مستقیم و غیرمستقیم به آتش‌افروزی در کردستان دست یازید. در خوزستان خرابکاری سازمان داد. با شایعه‌سازی، با تماس‌های مستقیم و غیرمستقیم، نیروهای ضدانقلابی را درایران به تحرک واداشت. در خارج بتحریک‌رادو باره‌علم‌کردوسرانجام محمدرضا پهلوی را درخاک خود بقصد نمایش تصمیم قاطع خود به بازپس‌گرفتن «بهشت‌گمشده» پذیرفت. درچنین‌اوضاع‌واحوالی، بدیهی است‌که انتظار انقلابیون درایران متوجه‌مرکزتوطئه‌گریها درایران، یعنی «سفارتخانه» آمریکا شده تردیدی نبودکه این «سفارتخانه» نیست. جاسوسخانه است. تصرف آن قانونی بود و تصرف شد. این عمل ضمن اینکه پاسخی دندان‌شکن بود به‌پذیرش شایعه‌مخلوع، باافروختن‌شورانقلابی توده‌های میلیونی علیه «شیطان بزرگ»، تمامی نقشه‌های توطئه‌گرانه ضدانقلابی امپریالیسم امریکا را عقیم‌کرد. انقلاب در خطر بود. انقلاب نجات یافت. «انقلاب دوم»که بزرگترازانقلاب اول» است، برای قطع زنجیر وابستگی به‌امپریالیسم وتامین استقلال واقعی‌کشور ایران در گرفت. مسئله طلب استرداد شاه مخلوع دربرابر آزادی جاسوسان دیپلمات‌نما، محورجنبش انقلابی عظیمی‌شدکه هدفش ازبین‌برکندن تمام«ریشه‌های گندیده» امپریالیسم در ایران است.

بدین‌سان، تصرف‌جاسوسخانه آمریکا و دستگیری جاسوسان دیپلمات‌نمای آمریکائی نه‌فقط‌بر-طبق قوانین بین‌المللی وبرطبق حق حاکمیت‌کشور عملی قانونی بود، بلکه در عین‌حال، بسجده نیروهای انقلابی، کوبنده نیروهای ضدانقلابی، عقیم کننده توطئه‌گریهای امپریالیسم آمریکا نیزبود. بگذار دولت‌ایالات‌متحده آمریکا -این‌دستگاه اجرائی اراده امپریالیسم بانکی- بداند و بفهمدکه زمانی فرا رسیده‌که دیگرنمیتوان درکشورهای ازبند رسته‌بنام‌سفارتخانه‌مرکزجاسوسی وتوطئه‌گری ساخت وبنام‌دیپلمات جاسوس وتوطئه‌گر درآن نشاند.

چرا؟

● علیرغم نظر صریح‌امام خمینی‌مبنی‌برتمرکزکلیه نیروها علیه امپریالیسم غارتگر آمریکا و ممانعت از انحراف مبارزه در این جهت، هنوز کسانی پیدا می‌شوند که درست درجهت‌خلاف نظر امام عمل می‌کنند!

● آیا کسانیراکه تحت عنوان «جهاد سازندگی»درمیدان شهدا، جلوی ساختمان برق شعار انحرافی «آمریکابدترازانگلیس انگلیس‌بدترازآمریکا وشوروی بدترازاین‌هردو»را نصب کرده‌اند، میتوان پیرو خط امام دانست!

وچرا از اینگونه حرکات مشکوک وتفرقه‌افکنانه ممانعت بعمل نمی‌آید!

● حکم اعدام آرمان شکنجه‌گر وسرپازجوی ساواک شیراز، که‌یک ماه پیش صادرشده، هنوز به مرحله اجرا درنیامده است؟

مقابله کارکنان ماشین‌سازی اراک با فشارهای اقتصادی آمریکا

موج مبارزات ضدآمریکائی مردم‌ایران، روزبروزبالامی‌گیرد ودر اشکال‌مختلف، خود را نشان می‌دهد. براساس اطلاع رسیده، اخیراً کارکنان ماشین‌سازی‌اراک به این منظور وبرای مبارزه با فشارهای اقتصادی آمریکا ونشان دادن آمادگی کارگران جهت مقابله باهرنوع اقدام ضدایرانی آمریکا، تصمیم‌گرفته‌اند ازتاریخ ۹/۴ به مدت دو هفته نهار، فقط خرما، سیب‌زمینی ونان‌مصرف کنند.

در مقررات بازنشستگی کارگران باید تجدیدنظر اساسی شود

وزیر جدید کار و اموراجتماعی اعلام کرده‌است که: «مسئله تقلیل سن‌بازنشستگی کارگران در دست بررسی است و درصورت‌تصویب حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار کارگر مشمول‌این مقررات قرار خواهند گرفت.»

هدف از این اقدام جانشین ساختن این‌عده با نیروی جوان بیکار است.

حزب توده ایران نه تنها کرارا ضرورت تقلیل سن بازنشستگی کارگران‌را مطرح‌نموده، بلکه خواهان دگرگونی‌مقررات مربوط به بازنشستگی کارگران‌بوده‌است، زیرا بازنشسته کردن کارگران طبق مقررات موجود بمعنای‌ریختن آنان به خیابانها و افزایش‌ارتش بیکاران و گرسنگان است و به هیچوجه درمان مفضل بیکاری نیست.

بموجب قانون‌کار دوران‌طاغوت، که هنوز در دست اجراست، کارگران مرد با ۶۰ سال و زنان کارگر با ۵۵ سال سن، به‌شرطی که قبل از بازنشستگی، ده سال تمام حق بیمه پرداخته باشند، میتوانند از مستمری بازنشستگی استفاده کنند. حزب با پیوسته یادآورشده که مقررات‌بازنشستگی این فرزندان زحمت و رنج بایدبا توجه به شرایط‌مشخص کار و زندگی آنان تعیین گردد، تاآنها بتوانند پس از سالهای طولانی سعی و تلاش، در دوران حیات خود از مزایای‌بازنشستگی‌استفاده برند و از حداقل رفاه‌برخوردار باشند.

مهمترین مسئله‌ایکه موجب میشود خود کارگران، علیرغم واجدشرایط بودن، تقاضای بازنشستگی نکنند و تا آخرین‌رمق و نیروی خود بکار ادامه دهند، ناچیزبودن مستمری بازنشستگی و ترس کارگران از فقر سیاه و استیصال است. بموجب قانون موجود تامین اجتماعی، میزان مستمری کارگران یک سی‌وپنجم متوسط مزد یا حقوق بیمه شده، ضرب در سنوات پرداخت حق‌بیمه است. با این محاسبه تمام‌مستمری دریافتی اکثریت مطلق‌کارگران مبلغی بیش‌از ۶۰۰ تا ۸۰۰تومان نخواهد شد، که حتی نان خالی خانواده کارگر را هم کفاف‌نمی‌دهد. بنابراین‌دراین شرایط‌تقلیل سن بازنشستگی و پرداخت چند صدتومان به ۲۰۰-۳۰۰ هزار کارگر بعنوان مستمری بازنشستگی،افزودن به‌خیل‌گرسنگان است. نخست باید قانون کار و قوانین بیمه و تامین اجتماعی را از نو نوشت و چنان نوشت که عدالت اجتماعی، این خصیصه انقلاب ما، در آن منظور شود، به نحوی که مستمری کارگران‌بازنشسته از آخرین دریافتی آنان‌در حین اشتغال بکار کمتر نباشد و سپس، با تطبیق سن‌بازنشستگی، که‌ما پیوسته خواهان آن‌بوده‌ایم، به بازنشسته کردن کارگران شاغل اقدام کرد. در کارخانه‌های کشور هم‌اکنون کارگرانی‌بکار اشتغال دارند که تا ۴۰ سال سابقه کار دارند، کارگرانی که حتی مدت ۳۰ سال حق بیمه پرداخته‌اندو هنوزبازنشسته‌نیستند. این نیست مگر ترس و نگرانی از فقر و فاقه دوران‌کهولت.

بقیه درصفحه ۲

۱۶ آذر
به یاد شهیدان دانشجو

برنامه‌مراسم:

● سخنرانی رفیق تقی کی‌منش، عضو هیئت‌سیاسی کمیته مرکزی حزب‌توده‌ایران.

(رفیق کی‌منش در۱۳۳۲، عضو سازمان نظامی حزب توده ایران‌بود. وی‌در آنزمان‌افسر بازجوی‌فرمانداری‌نظامی‌تهران‌و یکی ازافسرانی‌بودکه‌مأموریت‌رسیدگی به‌حادثه‌خونین ۱۶ آذر را برعهده داشت. رفیق کی‌منش ۲۵سال از زندگی خود را درزندانهای شاه مخلوع گذرانده‌است. اویکی‌ازقاتلان‌اسارتگاههای شاه‌خائن است.)

● سخنرانی درباره ۱۶ آذرو نقش جنبش دانشجوئی در انقلاب رهائی‌بخش‌ملی

● خواندن شعر

● محل مراسم: آمفی‌تآتردانشکده فنی دانشگاه‌تهران

● روز مراسم: چهارشنبه۴ آذر۱۳۵۸، ساعت ۴ بعدازظهر

سازمان جوانان ودانشجویان دمکرات ایران

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا از هر باره آماده شویم